

سرمایه داری قرار داشت، اما با اصلاحات اقتصادی دنگ شیائوپینگ، این کشور توانست طی کمتر از چهار سال با رشد مستمر و چشمگیر اقتصادی، به جرگه قدرت‌های بزرگ بین‌المللی بپیوندد. به طوری که در سال‌های اخیر در تولید ناخالص داخلی بر مبنای برابری قدرت خرید (PPP) از همه کشورهای جهان پیشی گرفته است.

پیشروی اقتصاد چین فقط به رشد فزاینده تولید ناخالص داخلی این کشور محدود نیست، میزان تشکیل سرمایه ناخالص در چین در سال ۲۰۱۹ بالغ بر شش تریلیارد دلار بوده است که در مقایسه با دیگر کشورها، حتی آمریکا، عدد بسیار چشمگیری محسوب می‌شود و نشانه ظرفیت اقتصادی بالای چین برای یک خیز بزرگ در نظم جهانی است. همچنین تعداد شرکت‌های چینی در فهرست فوربس ۲۰۲۰ براساس میزان درآمد، با رسیدن به ۱۲۴ مورد، از ایالات متحده پیش افتاده است، این در حالی است که چهار سال پیش، اثری از حتی یک شرکت برتر چینی در این فهرست نبوده است؛ البته بسیاری از این شرکت‌ها خصوصی نیست، اما این واقعیت بیان‌کننده ظرفیت گسترده دولت چین در ارتقای «حکمرانی شرکتی» در ابعاد جهانی است (Murray, ۲۰۲۰).

با مراجعه به جدول ۲۰۰۰ شرکت برتر فوربس، که به رتبه‌بندی شرکت‌ها براساس چهار عامل حجم بازار، دارایی، سود و درآمد می‌پردازد، ملاحظه می‌شود که از ۱۰ شرکت برتر جهان در سال ۲۰۲۰، پنج مورد چینی و چهار مورد آمریکایی هستند و در همه ۲۰۰۰ شرکت نیز ۵۷۵ شرکت آمریکایی و ۳۰۹ شرکت چینی هستند (Ventura, ۲۰۱۹)؛<sup>۱۴</sup> (Ponciano, ۲۰۱۹).<sup>۱۵</sup> همچنین در طی ده سال اخیر، کشور چین از لحاظ شاخص ثبت پتنت، رشد فوق‌العاده‌ای را در حدود سالانه ۴۵ درصد تجربه کرده است که به کسب رتبه نخست جهانی در میزان رشد ثبت پتنت نسبت به دیگر کشورها و مناطق، در یک بازه پنج‌ساله متوالی (از سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۶ و تاکنون) انجامیده است. البته بیش از ۸۰ درصد تقاضا برای ثبت پتنت در چین، مربوط به متقاضیان داخلی است که در این زمینه نیز توانایی نیروی انسانی چین را نشان می‌دهد (WIPO Patent report, ۲۰۱۹). کشور چین، از حیث اقتصاد دانش‌بنیان، هنوز با صدر جدول فاصله دارد و طبق شاخص جهانی نوآوری نیز در رتبه ۱۴ است که رتبه خوبی برای این کشور محسوب نمی‌شود، اما شاید بزرگ‌ترین چالش چین برای تداوم رقابت‌پذیری اقتصادی با آمریکا به منظور تثبیت هژمونی خود بر نظم جهانی، میزان رقابت‌پذیری محیط کسب و کار در چین با آمریکا (به خصوص در کسب‌وکارهای نوآور) است. در شاخص «داده نوآوری برای اقتصاد»، که ظرفیت نهادی و زیرساختی چین در این زمینه را ارزیابی می‌کند، جایگاه چین در دنیا ۲۶ است، هرچند در «ستاده نوآوری برای اقتصاد» چین در جایگاه پنجم دنیا قرار دارد که از ظرفیت بالای چین در تقاضا برای نوآوری در اقتصاد جهانی حکایت دارد (Gil, ۲۰۱۹).

از حیث رهبری سیاسی و ثبات اجتماعی نیز کارآیی، انسجام و اقتدار پدرسالارانه حزب کمونیست چین موجب وضعیت مطلوب فعالیت اقتصادی شده و یک رشد پایدار بلندمدت را رقم زده است. اکثریت جامعه چین که از قوم هان هستند با روحیه ملی‌گرایی و هم‌گرایی و نیز فرمان‌پذیری زیادی که از حکومت مرکزی دارند، زمینه مساعدی را برای برنامه‌ریزی توسعه‌گرای دولت فراهم کرده‌اند، هرچند که در مناطقی از این کشور شامل هنگ کنگ، ترکستان شرقی (سین‌کیانگ) و تبت، ناآرامی‌ها و شورش‌های اجتماعی و سیاسی وجود دارد که دولت را در مسیر استمرار انسجام و یکپارچگی، با دردسرهایی دست‌به‌گریبان کرده است.

از حیث بین‌المللی نیز دولت چین با کنار گذاشتن سیاست محتاطانه پیشین، که بیش از هر چیز در